

مقایسه بین وبلاگ نویسی و روزنامه نگاری از دیدگاه روزنامه نگاران وبلاگ نویس

محمود سلطان آبادی، کارشناس ارشد روزنامه نگاری (نویسنده و مسئول مکاتبات)
احمد توکلی، استادیار گروه علوم ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

چکیده

وبلاگ‌ها مدعی این نیستند که کار روزنامه نگاری انجام می‌دهند و یا به رسانه‌های رسمی وابستگی دارند. در حقیقت بسیاری از وبلاگ‌ها شخصی هستند و پست‌های آنها در مورد احساسات و تجربیات شخصی نویسنده خود است. اما هر وبلاگ‌نویس در زمان گزارش یا تحلیل واقعه‌ای که خود شاهد آن بوده است، قادر به مشارکت در کار روزنامه نگاری است. البته اگرچه پست‌های بلاگرها درباره رویدادهای جاری در مقایسه با مطالب حرفه‌ای روزنامه نگاری متفاوت است، اما این گروه‌های متفاوت وبلاگ‌ها که بعضی از آنها توسط افراد عادی، بعضی توسط روزنامه نگاران حرفه‌ای و بعضی دیگر توسط مؤسسات رسانه‌ای ایجاد شده‌اند، از یک خصوصیت مشترک بهره می‌گیرند که به کارگیری عبارت «وبلاگ‌های روزنامه نگاری» را در مورد آنها به خوبی توجیه می‌کند. حتی ممکن است که این گونه وبلاگ‌ها کاملاً از شیوه‌های مرسوم روزنامه نگاری پیروی نکنند، اما به طور جدی تلاش می‌کنند رویدادهای جاری را جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر کنند یا دیدگاه‌شان درباره این رویدادها را به مخاطبان خود انتقال دهند و بدین صورت، عملکرد اجتماعی مشابه با مؤسسات رسانه‌ای داشته باشند. با توجه به آنچه نتیجه این پژوهش نشان خواهد داد، می‌توان گفت که وبلاگ‌ها در اکو سیستم روزنامه نگاری یک واقعیت انکارناپذیر هستند. بهتر است به جای آنکه به وبلاگ نویسی و روزنامه نگاری به عنوان دو رقیب نگاه کنیم، در این مهم به تفاهم برسیم که در حال وارد شدن به عصری هستیم که در آن این دو یکدیگر را کامل می‌کنند، مانع از اشتباه و انحراف هم می‌شوند.

این پژوهش به روش پیمایشی و با کمک پرسشنامه انجام گرفته است. جامعه مورد پژوهش نیز روزنامه نگاران وبلاگ‌نویس شاغل در تحریریه روزنامه‌های سراسری شهر تهران بوده است. با توجه به در دسترس نبودن آمار واقعی روزنامه نگاران وبلاگ‌نویس، پرسشنامه به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بین روزنامه نگاران شاغل در تحریریه روزنامه‌های مورد بررسی توزیع شده است.

واژگان کلیدی: وبلاگ، وبلاگ نویسی، روزنامه نگاری شهروندی، روزنامه نگاری حرفه‌ای

مقدمه

اکنون شانزده سال از تولد وبلاگ و نزدیک به یک دهه از تولد وبلاگستان فارسی می‌گذرد. رسانه‌ای که در بحبوحه انقلاب عظیم اینترنت متولد شد، اولین تجربه‌های «تعاملی» فضای مجازی را رقم زد، با شتابی کم‌نظیر به اوج رسید و اکنون با ظهور امکانات جدید ارتباطی، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های شهروندی، برخی آن را رسانه‌ای رو به زوال می‌دانند. اما از منظر روزنامه‌نگاری، وبلاگ‌ها گونه‌ی جدیدی از اخبار و نوعی مبادله و مخابره‌ی امور جاری هستند. با وجود اینکه اغلب وبلاگ‌ها برخلاف رسانه‌های رسمی و سازمانی هیچ ادعایی بر روزنامه‌نگاری بودن فعالیت‌های خود ندارند، اما برخی از وبلاگ‌ها با به چالش کشیدن درک و مفهوم روزنامه‌نگاری، به نظرهای معتقد به تغییر الگوی روزنامه‌نگاری و خبررسانی در اینترنت حیاتی دوباره بخشیده‌اند.

امروزه دیگر بحث در مورد اهمیت وبلاگ‌ها در روزنامه‌نگاری کاملاً متفاوت با گذشته صورت می‌گیرد و در حال حاضر پرسش از اهمیت وبلاگ‌ها در روزنامه‌نگاری جای خود را به میزان اهمیت و چگونگی تأثیرگذاری وبلاگ‌ها داده است. در جهان کنونی وبلاگ‌ها در سراسر حیطه‌های تحت نفوذ روزنامه‌نگاری به چشم می‌خورند به گونه‌ای که رسانه‌ها به منظور گزارش لحظه به لحظه و آنلاین رویدادها از وبلاگ‌ها بهره می‌گیرند، روزنامه‌نگاران مستقل وبلاگ‌نویس شده‌اند و تعداد زیادی از آماتورها و افراد عادی (البته از دیدگاه روزنامه‌نگاری) به نوعی گونه‌ی جدیدی از روزنامه‌نگاری خبری را به وجود آورده‌اند.

بیان مسئله

وبلاگ را می‌توان به عنوان نشانه یا سمبل یک گرایش فرهنگی کلی دانست که در حال تغییر دادن نقش مخاطبان از خوانندگان شرح داستان یک فیلم یا حداکثر خوانندگان نقد نوشته شده بر آن، به تولیدکنندگان فعال محتوا و مطالب است. در همین رابطه و از دیدگاه روزنامه‌نگاری بسیاری از وبلاگ‌های نوشته شده در فضای اینترنت به نوعی نامربوط هستند. دقیقاً مشابه آن کاری که ژورنالیست‌ها در روزنامه یا سایر رسانه‌ها و بعضی وبلاگ‌ها انجام می‌دهند، تک‌تک افراد یا گروه‌های وبلاگ‌نویس نیز به انتشار مطالب ادبی دست می‌زنند که فرمی متفاوت از فرم به کار گرفته شده در روزنامه‌نگاری را ارائه می‌کنند.

با این حال بر مبنای تحقیقات انجام گرفته بر انواع گونه‌های وبلاگ‌های مرتبط با روزنامه‌نگاری (Lasica, ۲۰۰۳; Gill, ۲۰۰۴; McCoy Roth, ۲۰۰۴; Harper, ۲۰۰۵; Baltatzis, ۲۰۰۶; Mackinnon, ۲۰۰۷; Domingo & Heinonen, ۲۰۰۸)، می‌توانیم به این نتیجه برسیم که به نظر می‌رسد وبلاگ‌ها در حال نزدیک شدن به جهان روزنامه‌نگاری و تأثیرگذاری آتی بر این حرفه هستند. بسیاری از وبلاگ‌ها با ارائه اطلاعات تکمیلی یا رقابتی در مورد رویدادهای

جاری و اخبار روز آشکارا در حال به چالش کشیدن روزنامه‌نگاری حرفه‌ای یا رسمی هستند. وبلاگ‌نویسان از آسیب‌پذیری قانونی روزنامه‌نگاری حرفه‌ای نهایت استفاده را برده‌اند تا به آرامی به برخی از گونه‌های اطلاعات مثل اظهارات متعصبانه و جانبدارانه، رویدادهای قدیمی و بعضاً فراموش شده، رویدادهایی که منابع خبری غیرموثق به آنها می‌پردازند و خصوصاً موضوعات و مفاهیم کاملاً تخصصی اطلاعات که بنگاه‌های رسانه‌ای به دلیل معذورات و محدودیت‌های سازمانی اجازه استفاده از آنها را ندارند، پرداخته و به نوعی به آنها دستبرد بزنند. در عین حال، گروهی از وبلاگ‌نویسان، سایت‌های خود را به عنوان منتقدان روزنامه‌ها و تلویزیون می‌دانند. چنین نگرش‌هایی به وبلاگ‌نویسی، ارزشمندی خاصی می‌بخشد، زیرا در وبلاگ‌نویسی عقاید مختلف حول بنیان اصلی که از روزنامه‌نگاری گرفته می‌شود، گرد آمده است و عمیقاً مورد بررسی قرار می‌گیرد و امکان آزاداندیشی را در مورد موضوعات مورد بحث در عرصه اینترنت فراهم می‌کند. همین مطلب تهدید دیگری را سر راه روزنامه‌نگارانی قرار می‌دهد که پایه‌های آن در میانه دهه ۱۹۹۰ بنا نهاده شده است.

تا چندی پیش این هراس وجود داشت که اینترنت به شدت از حجم مخاطبان و خوانندگان رسانه‌های سنتی خواهد کاست. اما وبلاگ‌ها در حال انجام دادن کار دیگری هستند، آنها در حال اثبات این حقیقت به رسانه‌های سنتی هستند که دیگر نیازی به تصمیم‌گیری شما وجود ندارد. به بیان دیگر، مزیت روزنامه‌نگاری در زمینه تنظیم و تعیین سرفصل و زمان‌بندی فعالیت‌ها، مورد چالش قرار گرفته است و فضای وبلاگ در حال توسعه شیوه کار و سرفصل‌های جدید و به نوعی جایگزینی برای پرداختن به رویدادهای جاری است که این کار توسط وبلاگ‌نویسان و با استفاده از ابزارهای آنلاین به منظور جستجو برای یافتن محتوا و ارزیابی آن صورت می‌گیرد.

از سوی دیگر، وبلاگ‌ها در حال تهدید یکی از مهمترین نقاط ضعف روزنامه‌نگاری سنتی یعنی عدم تعامل و تماس شخصی با خوانندگان هستند. برخلاف روزنامه‌نگاری سنتی، وبلاگ‌ها ضرورتاً مشارکتی هستند. اول از همه اینکه مجراها و موضوعاتی که در وبلاگ‌ها به آنها پرداخته می‌شود، عمدتاً به گونه‌ای هستند که نویسندگان خود درگیر موضوع یا حداقل گزارش آن بوده است. این مفهوم در تناقض با این تفکر عمومی قرار می‌گیرد که یک محتوی ژورنالیستی صحیح تنها توسط یک شاهد عینی آموزش دیده به دست می‌آید، نه با مشارکت با فردی دیگر. وبلاگ‌ها در اغلب اوقات و به دلیل اینکه آنها واقعاً به مخاطبان و خوانندگان خود اجازه اظهار نظر و صحبت کردن در مورد مطالب گزارش شده را می‌دهند، مشارکتی عمل می‌کنند. در این شیوه وبلاگ‌ها به عملی شدن و به ایده‌آل نزدیک شدن این مهم کمک

می‌کنند که در عرصه اینترنت به عنوان یک فضای دموکراتیک، صدای تمامی عوامل اجتماعی حاضر شنیده شده و مستمعین به عواملی فعال تبدیل شوند.

در مقایسه با روزنامه‌نگاری، این ذات مشارکتی وبلاگ‌ها نشان می‌دهد که به منظور اطلاع‌رسانی به مردم در مورد رویدادهای جاری نیازی به دور شدن از آنها و به نوعی عینیت محض نیست. به جای سخنرانی، روزنامه‌نگاری می‌تواند محاوره‌ای باشد و در حال حاضر این وبلاگ‌ها هستند که ایده‌آل ذکر شده را به مرحله عمل درآورده‌اند.

ذات چالش‌گونه و خصوصیات مشارکتی وبلاگ‌ها ما را به سومین وجهی می‌رساند که نقطه برخورد روزنامه‌نگاری و وبلاگ‌نویسی محسوب می‌شود.

وبلاگ‌ها مالکیت روزنامه‌نگاری (به عنوان یک حرفه) را زیر سؤال می‌برند. به طور عادی و سنتی روزنامه‌نگاری با برخی از فرم‌های سازمانی خاص گره خورده و بر این اساس روزنامه‌نگاری آن چیزی است که رسانه‌ها منتشر می‌کنند. در نتیجه، فردی که در این رسانه و بابت انجام کار پول می‌گیرد، یعنی یک ژورنالیست، به صورت غیررسمی تأمین‌کننده معتبر و موثق روزنامه‌نگاری محسوب می‌شود. از زمان اختراع واژه دروازه‌بان، تصمیم‌گیری در مورد اینکه مردم نیاز به دانستن چه چیزهای دارند و این مطالب در چه زمانی و چگونه باید به اطلاع‌شان برسد، یکی از ضروریات نقش حرفه‌ای ژورنالیست‌ها محسوب می‌شود.

امروزه حقوق منحصربه‌فرد و انحصاری نظارت و نگرهبانی مطالب و اخبار از دست ژورنالیست‌های حرفه‌ای خارج شده و این وبلاگ‌نویسان هستند که بدون هیچ‌گونه عذاب وجدانی این مهم را بر عهده گرفته‌اند. آنها نقش بسیار مهم و فعالانه‌ای را در فرایند گردآوری، گزارشگری، طبقه‌بندی، تحلیل و آنالیز و در نهایت توزیع و انتشار اخبار و اطلاعات بر عهده گرفته‌اند. با در نظر گرفتن این نکته که حرفه ژورنالیسم با شیوه‌های عملی و ممارست معنی پیدا می‌کند، به نظر می‌رسد که وبلاگ‌ها نه تنها مؤسسات رسانه‌ای، بلکه ژورنالیست‌های حرفه‌ای را نیز به چالش کشیده‌اند. بر مبنای اصول اخلاقی و فلسفی، تعاریف هنجاری جدید از حرفه روزنامه‌نگاری تنها عاملی است که می‌تواند بقای روزنامه‌نگاری را در عصر دیجیتال تضمین کند.

در نهایت باید بر این نکته تأکید کنیم که امروزه دیگر وبلاگ‌ها چیزی خارج از بنگاه‌های رسانه‌ای نیستند و بخشی از روزنامه‌نگاری به حساب می‌آیند و تکامل تدریجی وبلاگ‌نویسی و روزنامه‌نگاری به صورت رابطه‌ای دوطرفه به هم پیوند خورده است اما این فرایند هنوز هم فرایند قابل بحثی است که گرایش‌ها و تمایلات خود را به وضوح آشکار نکرده است.

وبلاگ نویسی و روزنامه نگاری

اگر چه عملاً وبلاگ توسط بسیاری از مؤسسات رسانه‌ای پذیرفته شده است اما وبلاگ نویسی به عنوان نوعی روزنامه نگاری هنوز با چالش‌های بسیاری مواجه است و در جهان روزنامه نگاری بحثی مناقشه‌انگیز به شمار می‌رود. در خصوص اینکه آیا وبلاگ نویسی نوعی روزنامه نگاری است، تاکنون دیدگاه‌های متفاوت و متنوعی بیان شده است که پاره‌ای از آنها راه به افراط برده و بر این ادعا پای فشرده‌اند که روزنامه نگاری سنتی آخرین سال‌های عمرش را سپری می‌کند و از سوی دیگر، برخی نیز اظهار عقیده کرده‌اند که وبلاگ نویسی هرگز نسبتی با روزنامه نگاری ندارد و نمی‌تواند داشته باشد و اینها دو حوزه جدا از هم هستند. در واقع، هر چه مرز میان بلاگرها و روزنامه نگاران مبهم‌تر می‌شود، مسائل روزنامه نگاری نیز پیچیده‌تر می‌شود.

کسانی که وبلاگ نویسی را نوعی روزنامه نگاری می‌دانند، آن را از منظر قواعد و اصول جدیدتری ارزیابی می‌کنند. اصولی که اگر چه در مقایسه با آنچه در معنای روزنامه نگاری آمیخته با رسانه‌هایی چون تلویزیون و روزنامه که به آنها رسانه‌های قدیم گفته می‌شود، تفاوت دارند اما مبتنی بر منطق رسانه‌های جدید هستند. برای مثال، نورا پاول^۱ مدیر مؤسسه مطالعات رسانه‌های جدید و استاد روزنامه نگاری و ارتباطات جمعی دانشگاه مینه‌سوتا^۲ معتقد است:

«وبلاگ‌ها شکل جدیدی برای ارائه گونه‌های مختلف روزنامه نگاری هستند، به ویژه اگر روزنامه نگاران آنها را برای سازمان‌های خبری خود بنویسند. برای نوشتن وبلاگ‌ها، این تحریر شدگان دنیای روزنامه نگاری، از معیارها و استانداردهای مشابهی استفاده می‌شود» (شکرخواه، ۱۳۸۴: ۱۸۴).

اما جیمز کری^۳ از مدرسه روزنامه نگاری کلمبیا^۴ معتقد است که برای شناسایی وبلاگ نویسی به عنوان روزنامه نگاری باید درک سنتی از روزنامه نگاری را مورد توجه مجدد قرار دهیم. او همچنین بر این باور است که روزنامه نگاری را نباید مترادف با روزنامه‌ها یا مجلات و همه آن چیزهایی قرار دهیم که به نام مطبوعات^۵ می‌شناسیم. روزنامه نگاری، کتاب روزانه جمعی ماست که زندگی مشترک ما را ثبت و ضبط می‌کند. آنچه پوشش داده نمی‌شود، حفظ هم نمی‌شود. حفظ حافظه جمعی، باز هم فعالیتی روزنامه نگارانه است که می‌تواند به صورت مجازی و در هر جا محقق شود (Gill, ۲۰۰۴).

۱. Nora Powel

۲. University of Minnesota

۳. James Carey

۴. Columbia Journalism School

۵. The Press

این دسته از افراد، وبلاگ‌نویسی را فارغ از اصول شناخته شده، کاری روزنامه‌نگارانه^۶ قلمداد می‌کنند و آن را خالص‌ترین شکل روزنامه‌نگاری می‌دانند.

جی روزن^۷ عضو دانشکده روزنامه‌نگاری دانشگاه نیویورک^۸ نیز از دوران هیجان انگیزی در روزنامه‌نگاری سخن می‌گوید که در آن همچون بافت اجتماعی بزرگی که تغییرات از آن سر بر می‌آورند، هر چیزی دچار دگرگونی می‌شود. وی استدلال می‌کند که اکوسیستم جدیدی در حال شکل‌گیری است که در آن وبلاگ‌نویسی و روزنامه‌نگاری همزیستی دارند، بر هم تأثیر می‌گذارند و مهمتر آنکه همدیگر را شکل می‌دهند. او همچنین قرار دادن وبلاگ‌نویس‌ها در برابر روزنامه‌نگاران را کار نادرستی می‌داند و معتقد است آنها مکمل یکدیگر هستند (Rosen, 2005). این سخن از واقعیتی حکایت دارد که بر اساس آن وبلاگ‌ها روز به روز با جذب تعداد بیشتری از خوانندگان قدرت نفوذشان را توسعه می‌دهند.

به گفته والتر موسبرگ^۹ ستون‌نویس روزنامه وال استریت ژورنال^{۱۰} وبلاگ‌ها مدعی شکل جدیدی از روزنامه‌نگاری هستند. آنها صداهای تازه^{۱۱} در موضوع‌های متنوع ایجاد می‌کنند و با لینک‌های خود به ایجاد جوامعی حول علاقه‌های مشترک برای تبادل اخبار و دیدگاه‌ها کمک می‌کنند (Bowman and Willis, 2003).

اما در مقابل این دیدگاه‌ها، مقاومت‌هایی وجود دارد. برای مثال، بیل تامپسون^{۱۲} استاد میهمان مدرسه خبرنگاری یونیورسیتی لندن^{۱۳} در روزنامه گاردین می‌نویسد: «در یک کلام، وبلاگ‌نویسی نوعی روزنامه‌نگاری نیست. همین و بس!» (Lasica, 2003).

البته برای دیدگاه‌های مخالف دلایل تأمل‌برانگیزی نیز مطرح می‌شود؛ مثلاً ربکا بلاد^{۱۴} که خود یک وبلاگ‌نویس حرفه‌ای است، عقیده دارد که ۹۹ درصد از وبلاگ‌نویسان هرگز نمی‌توانند روزنامه‌نگار تلقی شوند. زیرا روزنامه‌نگاری مانند بقیه حرفه‌ها استانداردهای خاص خود را دارد و نمی‌توان کسانی را که به این استانداردها دست پیدا نکرده‌اند، روزنامه‌نگار نامید. وی در ادامه می‌گوید:

«اگر وبلاگ‌نویسی به یک مقاله خبری گزارش شده توسط فرد دیگری لینک دهد و نظرش را درباره آن بیان کند، کار روزنامه‌نگاری انجام نداده است. هنگامی که برای اظهار نظر درباره

۶. Journalistic Work

۷. Jay Rosen (www.pressthink.org)

۸. New York University

۹. Walter Mossberg

۱۰. The Wall Street Journal (www.wsj.com)

۱۱. Fresh Voices

۱۲. Bill Thompson

۱۳. University College London

۱۴. Rebecca Blood (www.rebeccablood.net)

موضوعی به جستجوی اطلاعات تکمیلی در شبکه می‌پردازیم با تحقیق سر و کار داریم نه با روزنامه‌نگاری. ممکن است گزارشگران هنگام نوشتن به همین شکل به تحقیق بپردازند، اما تحقیق به تنهایی یک فعالیت روزنامه‌نگاری محسوب نمی‌شود. وبلاگ‌نویسان ممکن است اظهار نظرهای خوانندگان را به عنوان منبع اطلاعات درباره موضوعی که آن را در وبلاگ ثبت کرده‌اند در نظر بگیرند اما این اظهار نظرها حکم نامه‌هایی را دارند که معمولاً سردبیر یک روزنامه دریافت می‌کند و گزارش محسوب نمی‌شوند.» (Blood, ۲۰۰۳).

در دیدگاهی مشابه، پل اندروز ۱۵ نویسنده روزنامه سیاتل تایمز ۱۶ در مقاله خود با عنوان «آیا وبلاگ‌نویسی نوعی روزنامه‌نگاری است؟» می‌نویسد:

«اگر وبلاگ‌نویسان می‌توانند روزنامه‌نگار باشند و وبلاگ‌ها شامل جنبه‌هایی از روزنامه‌نگاری هستند، پس چرا بیشتر روزنامه‌نگاران وبلاگ ندارند؟ و چرا وبلاگ‌نویسی در حیطه روزنامه‌نگاری قرار نمی‌گیرد؟ وبلاگ‌نویسان آگاهی چندانی از نحوه تأیید اطلاعات و داده‌ها ندارند. آنان فاقد ابزار و تجربه لازم برای مطالعات عمیق هستند. آنها نمی‌دانند چگونه باید درستی اطلاعات را تأیید کنند. به طور کلی، وبلاگ‌ها نمی‌توانند کار روزنامه‌نگاری را انجام دهند، اما در عین حال در مواقعی می‌توانند در زمینه ارائه گزارش‌های خبری پیش‌تاز باشند» (Andrews, ۲۰۰۳).

کسانی که وبلاگ را نوعی روزنامه‌نگاری نمی‌دانند بیشتر بر آموزش ندیدن وبلاگ‌نویس‌ها و رعایت نکردن اصول و قواعد روزنامه‌نگاری تأکید می‌کنند. این دیدگاه در برابر کسانی قرار دارد که اصول و قواعد متفاوتی برای روزنامه‌نگاری در عصر رسانه‌های جدید متصور هستند. کامیابی یک رسانه در به کارگیری وبلاگ و اساساً پذیرش رسانه‌های جدید متضمن آن است که روزنامه‌نگاران درکی جامع نسبت به وبلاگ‌نویسی و نسبت آن با روزنامه‌نگاری داشته باشند.

اما به هر ترتیب و فارغ از صحت و سقم این دو دیدگاه، با رشد وبلاگ و وبلاگ‌نویسی، روزنامه‌نگاری دچار تحولاتی خواهد شد. چیزی که ویلسون لوری ۱۷ از آن به چالش روزنامه‌نگاری یاد کرده است. او آینده را مبهم می‌داند اما تصریح می‌کند که روزنامه‌نگاری دچار تحولاتی خواهد شد (Lowrey, ۲۰۰۶).

۱۵. Paul Andrews

۱۶. The Seattle Times (www.seattletimes.com)

۱۷. Wilson Lowrey

تأثیر وبلاگ‌نویسی بر روزنامه‌نگاری

استفان کوین ۱۸ در کتاب «مقدمه‌ای بر روزنامه‌نگاری همگرا»^{۱۹} شرح می‌دهد که چگونه صنعت خبر در قرن ۲۱ متأثر از تکنولوژی‌های مسلط عصر حاضر یعنی وب، ایمیل، وبلاگ و نسل سوم تلفن همراه است. او تکنولوژی مبتنی بر صفر و یک را زبان روز جهان دیجیتال می‌داند. او همچنین توضیح می‌دهد که چگونه توسعه این تکنولوژی‌ها، روزنامه‌نگاری را طی دهه‌های آینده دگرگون خواهد کرد (Quinn, ۲۰۰۵). این واقعیتی است که بسیاری محققین نیز بر آن تأکید کرده‌اند. از جمله چارلی بکت ۲۰ و رابین مانسل ۲۱ که در مقاله «رسانه‌های جدید و روزنامه‌نگاری شبکه‌ای» از تغییرات پیش‌روی جهان رسانه‌ها نوشته‌اند. آنها توضیح داده‌اند که رسانه‌های خبری سنتی شامل گزارش‌های تاریخ مصرف‌دار بودند. تولید در آنها خیلی گران بود. برعکس اشکال جدیدی از آنچه ما آن را روزنامه‌نگاری شبکه‌ای ۲۲ می‌خوانیم با تکیه بر چارچوب رسانه‌های جدید در حال رشد هستند. آنها در تمام ساعات شبانه‌روز در دسترس و اغلب تا حدی تعاملی هستند و تولید محتوای آنها

نیز ارزان است. آنها توضیح می‌دهند که به واسطه این خصوصیات، کار روزنامه‌نگاری نیازمند تغییرات و استفاده از رسانه‌های جدید از جمله وبلاگ است (Beckett & Mansell, ۲۰۰۸). رشد و توسعه وبلاگ‌نویسی بر عادات مصرف رسانه‌ای مخاطبان نیز تأثیر گذاشته است. این مسئله به روشنی در کارت دعوتی که الکس جونز ۲۳ برای صاحب‌نظران مدعو در کنفرانس بزرگ بین‌المللی دانشگاه هاروارد با عنوان «وبلاگ‌نویسی، روزنامه‌نگاری و اعتبار: حوزه‌های منازعه و زمینه‌های مشترک»^{۲۴} نوشت، کاملاً مشخص است:

«انگیزه مشترک همه ما در برپایی این کنفرانس این اعتقاد ماست که جهان روزنامه‌نگاری دارد به واسطه وبلاگ‌نویسی و به طبع آن فضای وبلاگ‌ها تغییر شکل می‌دهد. جای تردید نیست که پدیده وبلاگ‌نویسی به خصوص بلاگرهایی که بر مسائل اجتماعی و سیاسی متمرکز هستند، راه‌های تنظیم خبر در صفحات اول روزنامه‌ها را تغییر داده‌اند. حوزه‌های مشترکی که این دو رویکرد مختلف به اخبار در مدیریت خبر می‌توانند داشته باشند، کدامند؟ آیا روزنامه‌نگارانی که وبلاگ‌نویس هم هستند همواره در کارشان با استانداردهای متضاد و ناسازگار درگیرند؟» (Mackinnon, ۲۰۰۵).

۱۸. Stephen Quinn

۱۹. Convergent Journalism an Introduction

۲۰. Charlie Beckett

۲۱. Robin Mansell

۲۲. Networked Journalism

۲۳. Alex Jones

۲۴. Blogging, Journalism & Credibility: The Future of Global Participatory Media

این دغدغه‌ها حکایت از افق‌های جدیدی دارد که به واسطه وبلاگ‌نویسی در روزنامه‌نگاری در حال شکل‌گیری است. برخی از این شکل‌های جدید تحت عنوان روزنامه‌نگاری شبکه‌ای شناخته می‌شود که اکنون به طور گسترده‌ای قابل مشاهده است. این شکل‌های جدید روزنامه‌نگاری مرزبندی‌های جدیدی نیز ایجاد می‌کند که تاکنون امکان نداشته است. چارلی بکت و رابین مانسل ریشه این گشایش در روزنامه‌نگاری را در امکان درک بهتر تفاوت‌ها و تمایزات در میان مخاطب می‌دانند. آنها بر این باورند که اگر چه روزنامه‌نگاری شبکه‌ای هنوز فضای باز کاملی برای گفتگو ایجاد نکرده است، اما به واسطه اینکه روزنامه‌نگاران نقش جدیدی پیدا کرده‌اند و صداهای بیشتری در این فضا شنیده می‌شود، نیاز در حال رشدی برای فهم الزامات شکل‌های جدید مرزبندی وجود دارد که به وسیله این نوع روزنامه‌نگاری تشویق شده است. به عقیده این دو پژوهشگر، توسعه اشکال روزنامه‌نگاری ممکن است مبنا و پایه‌ای برای دیالوگ عمومی ایجاد کند تا اخباری در مورد افراد دورتر گفته شود و درک بهتر مهیا شود. پیامد آن ممکن است فرصت‌های تازه برای ارتقاء سهمیم کردن ایده‌ها و دیدگاه‌ها باشد (Beckett & Mansell, ۲۰۰۸). در واقع می‌توان گفت، روزنامه‌نگاری با کمک وبلاگ‌نویسی می‌تواند مشارکتی تر ۲۵ باشد، چرا که شبکه گسترده جهانی از حالت صرفاً خواندنی ۲۶ به خواندنی - نوشتنی ۲۷ تبدیل شده است. به عبارت دیگر در گذشته، تعداد اندکی از مردم از ابزار لازم (زمان، پول و مهارت) برای تولید محتوا به شکلی که به مخاطبان گسترده‌ای برسد، برخوردار بودند اما امروز جهان دیگری است (Mackinnon, ۲۰۰۷).

طبقه‌بندی وبلاگ‌های روزنامه‌نگاری

وبلاگ‌ها را برحسب میزان نزدیکی و وابستگی آنها به مؤسسات رسانه‌ای می‌توان به چهار دسته زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱. وبلاگ‌های شهروندان ۲۸

وبلاگ‌هایی هستند که توسط افراد خارج از رسانه‌ها نوشته می‌شوند. زمانی که وبلاگ‌نویسان وارد حیطه روزنامه‌نگاری می‌شوند و به نوعی در آن مشارکت می‌کنند، ممکن است ایفاء‌کننده نقش‌های مختلفی چون مفسر رسانه، نویسنده تخصصی یا گزارشگر آماتور باشند. در فضای وبلاگ تفسیر و نقد رسانه یکی از محبوب‌ترین فعالیت‌ها محسوب می‌شود. این گونه وبلاگ‌ها

۲۵. Participatory

۲۶. Read-only

۲۷. Read-write

۲۸. Citizen Blogs

در اغلب اوقات وبلاگ‌های دیده‌بان ۲۹ خوانده می‌شوند و کارشان دنبال کردن آنلاین و آفلاین فعالیت رسانه‌های حرفه‌ای به منظور آشکار کردن ماجراهای به اصطلاح مخفی و سر بسته، برملاء کردن خطاها و یکسونگری‌ها در گزارش‌دهی و همچنین نقد استدلال‌ها و بحث‌های ضعیف در سرمقاله‌ها و ستون‌های خبری است. در برخی دیگر از وبلاگ‌های شهروندی، نویسندگان با وجود اینکه تمایلی برای شناخته شدن به عنوان یک روزنامه‌نگار ندارند، در واقع نقش یک گزارشگر را ایفاء می‌کنند. در بسیاری از موارد یک وبلاگ شخصی به گزارش دست اول رویدادی می‌پردازد که نویسنده وبلاگ، خود از نزدیک شاهد آن بوده است. بمب‌گذاری‌های متروی شهر لندن در جولای ۲۰۰۵، وبلاگ‌نویسان این کشور را گرد هم آورد تا به تشریح و تبیین رویدادهایی بپردازند که شاهد آن بودند. بسیاری از آنها تصویری ارائه کردند که با دوربین‌های موبایل گرفته شده بود. در طی جنگ عراق نیز وبلاگ «سلام پکس» ۳۰ بسیار مشهور شد و مورد توجه قرار گرفت.

۲. وبلاگ‌های مخاطبان ۳۱

وبلاگ‌هایی هستند که توسط مخاطبان رسانه‌ها نوشته می‌شوند. کارشناسان روزنامه‌نگاری آنلاین می‌گویند که شرکت‌ها و سازمان‌های رسانه‌ای باید در زمینه ارائه وبلاگ‌های مردمی در سایت خود مشارکت بیشتری داشته باشند و با این کار زمینه گسترش ارتباط دوطرفه میان رسانه و مخاطبان را افزایش دهند. اختصاص فضایی در سایت به وبلاگ‌های مخاطبان حس اجتماعی‌تر شدن را میان خوانندگان تقویت می‌کند، گفتگوی دوطرفه میان روزنامه‌نگاران و کاربران را پرورش می‌دهد و همچنین وفاداری نسبت به رسانه مذکور و در عین حال حس اعتماد به آنها را نیز افزایش می‌دهد. محبوبیت وبلاگ‌ها، برخی از رسانه‌های آنلاین را بر آن داشت که به میزبانی این گونه وبلاگ‌ها بپردازند و فضایی را در سایت خود به آنها اختصاص دهند. با توجه به موضوع مورد نظر، در برخی موارد این وبلاگ‌ها به تأثیرگذاری بر اتاق‌های تهیه خبر می‌پردازند اما در اکثر مواقع، این وبلاگ‌ها تأثیری بر روند کلی رسانه میزبان ندارند و تنها محلی برای ارائه دیدگاه‌های مخاطبان و کاربران هستند. با این وجود، تلاش و زمان زیادی لازم است تا مزیت‌ها و معایب این گونه از وبلاگ‌های روزنامه‌نگاری برای رابطه میان رسانه و مخاطبان شناخته شود. به عنوان مثال، روزنامه لوموند ۳۲ در فرانسه، سایت خود را روی مشترکان آنلاین خود باز کرد و در بخش ویژه «چشم‌انداز» ۳۳ که در کنار ستون اظهار

۲۹. Watchblog

۳۰. Salam Pax

۳۱. Audience Blogs

۳۲. www.lemonde.fr

۳۳. Perspective

نظر روزنامه‌نگاران خود قرار دارد، فضایی را به وبلاگ‌های مخاطبان اختصاص داد. در اسپانیا هم، روزنامه‌رایگان کیو ۳۴ که در سال ۲۰۰۴ اولین بار منتشر شد، این قول را به مخاطبان خود داد که بخشی از مطالب روزنامه را از وبلاگ‌های مخاطبان خود برداشت کند. وبلاگ‌هایی که در سایت این روزنامه منتشر می‌شوند کاملاً متنوع هستند و از یادداشت‌های روزانه تا اظهار نظر و عقاید در مورد رویدادهای جاری و گزارشگری آماتورهای محلی متغیر هستند^{۳۵}.

۳. وبلاگ‌های روزنامه‌نگاران^{۳۶}

وبلاگ‌هایی هستند که توسط روزنامه‌نگاران خارج از سازمان‌های رسانه‌ای نوشته می‌شوند. روزنامه‌نگاران حرفه‌ای به سرعت شیفته وبلاگ و وبلاگ‌نویسی شده‌اند. وبلاگ‌ها ارائه‌کننده فضایی آزاد و کنترل نشده هستند که روزنامه‌نگاران می‌توانند در آن به ارائه نظرها و مباحثی اقدام کنند که پرداختن به آنها در رسانه‌ای که برای آن کار می‌کنند، تقریباً غیرممکن است. وبلاگ‌ها آزادی عمل کاملی به روزنامه‌نگاران می‌دهند تا به راحتی به نوشتن تفسیر و بیان عقاید شخصی خود بپردازند و در استانداردهایی مشابه استانداردهای رسانه‌ای گرفتار نشوند. شرکت‌های رسانه‌ای و خبری اغلب اوقات با چنین روندی موافق نیستند. سی‌ان‌ان^{۳۷} و تایم^{۳۸} که هر دو در مالکیت تایم وارنر^{۳۹} هستند، از دو تن از کارمندان خود که به پوشش وبلاگی جنگ عراق می‌پرداختند، درخواست کردند که این اقدام را متوقف کنند. سخنگوی شبکه سی‌ان‌ان در این باره گفت: «این شبکه ترجیح می‌دهد که از روش‌های مناسب‌تری به منظور ارائه اخبار بهره بگیرد. ما وبلاگ‌نویسی نمی‌کنیم!». به روزنامه‌نگارانی که در عراق و به خرج شرکت‌های رسانه‌ای مشغول پوشش دادن به وقایع جنگ عراق بودند، گفته شده بود که بیشتر بر گزارش‌های تلویزیونی متمرکز شوند. یکی دیگر از این روزنامه‌نگاران به نام کوین سایتس^{۴۰} تنها ۱۲ روز پس از اینکه به نوشتن وبلاگ شخصی خود اقدام کرده بود، گفته شد که باید دست از وبلاگ نوشتن بر دارد. کوین در نهایت از شبکه سی‌ان‌ان جدا شد و به عنوان نویسنده آزاد با ان‌بی‌سی^{۴۱} به توافق رسید و بعد از چند ماه نوشتن وبلاگ خود را از سر گرفت.

۴. وبلاگ‌های رسانه‌ای^{۴۲}

۳۴. Que

۳۵. www.quediario.com

۳۶. Journalist Blogs

۳۷. CNN (Cable News Network)

۳۸. Time (www.time.com)

۳۹. Time-warner

۴۰. www.kevinsites.net

۴۱. NBC (National Broadcasting Company)

۴۲. Media Blogs

وبلاگ‌هایی هستند که از سوی روزنامه‌نگاران رسانه‌ها نوشته می‌شوند. برای شرکت‌های رسانه‌ای که به دنبال بهره‌گیری از وبلاگ‌ها هستند، راه‌اندازی وبلاگ‌هایی که توسط روزنامه‌نگاران خودشان نوشته می‌شود، روشی عملی و مناسب به نظر می‌رسد. در چنین مواردی کنترل‌های نظارتی و ویراستاری نباید مشابه استانداردهای تهیه خبر و به آن دشواری باشد اما ویراستاران معمولاً مطالب وبلاگ‌ها را قبل از پست مطلب جدید بررسی می‌کنند. این شیوه تهیه وبلاگ‌های روزنامه‌نگاری حرفه‌ای پس از سال ۲۰۰۵ به شدت گسترش یافته است. گرچه رسانه‌ها هنوز هم از مزایای چنین وبلاگ‌های حرفه‌ای و به اصطلاح خانگی بهره می‌گیرند اما معمولاً از تمامی فرصت‌هایی که یک وبلاگ واقعی ایجاد می‌کند، غافل هستند. به عنوان مثال، در برخی از وبلاگ‌های رسانه‌ای جایی برای کامنت گذاشتن و اظهار نظر وجود ندارد و در صورت امکان هم قبل از انتشار باید در اتاق خبر از سوی ویراستار بررسی شوند. در سازمان‌های خبری و رسانه‌ای تمایل به داشتن وبلاگ وجود دارد اما وبلاگ‌های مدنظر آنها باید کاملاً رام و اهلی و

در کنترل آنها باشند. در واقع، این سازمان‌ها بیشتر تمایل دارند که وبلاگ‌نویسی را هدایت و خوراکی اطلاعاتی آن را فراهم کنند نه اینکه مشارکت دموکراتیک در زمینه اطلاع‌رسانی را گسترش دهند (Domingo & Heinonen, ۲۰۰۸).

روش تحقیق

این پژوهش به روش پیمایشی ۴۳ و با کمک پرسشنامه انجام گرفته است. جامعه مورد پژوهش نیز روزنامه‌نگاران وبلاگ‌نویس شاغل در تحریریه روزنامه‌های سراسری شهر تهران بوده است. با توجه به در دسترس نبودن آمار واقعی روزنامه‌نگاران وبلاگ‌نویس، پرسشنامه به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ۴۴ بین روزنامه‌نگاران شاغل در تحریریه روزنامه‌های اعتماد، ایران، بانی فیلم، تهران امروز، جام‌جم، خراسان، دنیای اقتصاد، شرق، فناوران اطلاعات، ملت ما، وطن امروز و هفت صبح توزیع شد و در انتها از ۴۷۲ پرسشنامه توزیع شده تعداد ۳۸۶ پرسشنامه بازگردانده شد که مبنای کار تحلیل این پژوهش قرار گرفت. پس از جمع‌آوری اطلاعات، با توجه به دستورالعمل کدگذاری مندرج در پرسشنامه، اطلاعات کدگذاری و به کامپیوتر منتقل شدند و سپس این اطلاعات کدگذاری شده در قالب نرم‌افزار SPSS در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند.

۴۳. Survey

۴۴. Simple Random Sampling

یافته‌های تحقیق

برخی از مهمترین یافته‌های این تحقیق به شرح زیر است:

- در حدود ۴۱ درصد از روزنامه‌نگاران اظهار داشته‌اند که انگیزه آنها از وبلاگ‌نویسی ابراز عقاید و دیدگاه‌های شخصی است. بیش از ۱۹ درصد بدون سانسور نوشتن، ۱۹ درصد نقد و پیگیری امور سیاسی و اجتماعی، ۱۱ درصد آرشو کردن مطالب و ایده‌ها، ۷ درصد ارتباط با دوستان و همکاران و ۵/۰ درصد نیز گزینه سایر را انتخاب کرده‌اند. می‌توان چنین نتیجه گرفت که انگیزه اکثریت روزنامه‌نگاران از وبلاگ‌نویسی ابراز عقاید و دیدگاه‌های شخصی است.
- بیش از ۶۱ درصد از روزنامه‌نگاران می‌گویند که به میزان کم و خیلی کم در کار خود از مطالب وبلاگ‌ها استفاده می‌کنند. این در حالی است که ۳۱ درصد گزینه متوسط و ۷ درصد نیز گزینه زیاد و خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند. با این تفاسیر می‌توان چنین نتیجه گرفت که بیشتر پاسخگویان چندان در کار خود از مطالب وبلاگ‌ها استفاده نمی‌کنند.
- ۴۴ درصد از پاسخگویان معتقد هستند که وبلاگ‌نویسی نوعی از روزنامه‌نگاری نیست، این در حالی است که ۳۴ درصد گزینه بله و ۲۱ درصد نیز گزینه بستگی به محتوای وبلاگ دارد را انتخاب کرده‌اند.
- بیش از ۸۷ درصد از پاسخگویان معتقدند که وبلاگ‌نویسان برخلاف روزنامه‌نگاران تا حد زیاد و خیلی زیاد همیشه نظر و عقیده شخصی خود را درباره یک خبر می‌نویسند. حدود ۸ درصد گزینه کم و خیلی کم و حدود ۵ درصد نیز گزینه نظری ندارم را انتخاب کرده‌اند. پس می‌توان گفت که بیشتر پاسخگویان اعتقاد دارند که وبلاگ‌نویسان برخلاف روزنامه‌نگاران همیشه نظر و عقیده شخصی خود را درباره یک خبر می‌نویسند.
- ۶۷ درصد از پاسخگویان اعتقاد دارند که استفاده از اول شخص مفرد (من) اساساً در گفتمان مطبوعات جایی ندارد اما وبلاگ‌ها به میزان زیاد و خیلی زیاد در نقطه مقابل این قرار دارند. این در حالی است که ۱۷ درصد از روزنامه‌نگاران گزینه نظری ندارم و ۱۵ درصد نیز گزینه کم و خیلی کم را انتخاب کرده‌اند.
- بیش از ۵۸ درصد از پاسخگویان بر این باورند که روزنامه‌نگاران به میزان زیاد و خیلی زیادی ملزم به رعایت خطوط قرمز هستند، در حالی که قانون مشخصی برای وبلاگ‌نویسان وجود ندارد. حدود ۳۸ درصد از روزنامه‌نگاران هم گزینه کم و خیلی کم و ۳ درصد نیز گزینه نظری ندارم را انتخاب کرده‌اند.
- ۶۴ درصد از روزنامه‌نگاران معتقد هستند که وبلاگ‌ها تا حد زیاد و خیلی زیادی فرصتی برای ارائه دیدگاه‌ها، نقد سیاست‌ها و انجام بحث عمومی بدون تن دادن به محدودیت‌های مطبوعات هستند. در مقابل، حدود ۲۹ درصد از پاسخگویان نیز گزینه کم و خیلی کم را

- انتخاب کرده‌اند. این آمارها نشان می‌دهند که اکثریت پاسخگویان اعتقاد دارند که وبلاگ‌ها فرصتی برای ارائه دیدگاه‌ها، نقد سیاست‌ها و انجام بحث عمومی بدون تن دادن به محدودیت‌های مطبوعات هستند.
- بیش از ۹۰ درصد از پاسخگویان اعتقاد دارند که وبلاگ‌ها به میزان زیاد و خیلی زیادی از زبان غیررسمی استفاده می‌کنند، حال آنکه زبان مطبوعات به طرز کلاسیک، رسمی و جدی است. ۸ درصد از روزنامه‌نگاران نیز نظری مخالف این گروه دارند.
 - ۴۲ درصد از بیشتر پاسخگویان اظهار داشته‌اند که وبلاگ‌ها به میزان زیاد و خیلی زیاد به جای اخبار جاری و رسمی بیشتر به اخبار غیررسمی، خاص و حاشیه‌ای می‌پردازند. بیش از ۱۰ درصد روزنامه‌نگاران هم معتقد به گزینه کم و خیلی کم بودند.
 - ۶۰ درصد از پاسخگویان معتقدند که وبلاگ‌نویسان تا حد زیاد و خیلی زیاد بیشتر تأکید بر انتقاد از مطبوعات دارند تا اینکه دست به تولید خبر بزنند. این در حالی است که ۲۵ درصد گزینه کم و خیلی کم و حدود ۱۴ درصد نیز گزینه نظری ندارم را انتخاب کرده‌اند.
 - ۴۵ درصد از روزنامه‌نگاران معتقد هستند که وبلاگ‌ها با پرداختن به موضوعاتی که خطوط قرمز مطبوعات تلقی می‌شوند، به میزان زیاد و خیلی زیادی باعث کمتر شدن خودسانسوری در مطبوعات شده‌اند. بیش از ۴۲ درصد نیز گزینه کم و خیلی کم و بیش از ۱۲ درصد نیز گزینه نظری ندارم را انتخاب کرده‌اند. این نشان می‌دهد که اکثریت پاسخگویان اعتقاد دارند که وبلاگ‌ها با پرداختن به موضوعاتی که خطوط قرمز مطبوعات تلقی می‌شوند، باعث کمتر شدن خودسانسوری در مطبوعات شده‌اند.
 - ۶۲ درصد از روزنامه‌نگاران می‌گویند که وبلاگ‌ها به میزان زیاد و خیلی زیاد، آزادی عمل کاملی به روزنامه‌نگاران می‌دهند تا به راحتی به نوشتن و تفسیر عقاید خود بپردازند. این در حالی است که ۲۹ درصد از روزنامه‌نگاران هم مخالف این نظر هستند.
 - ۵۴ درصد از روزنامه‌نگاران بر این باورند که وبلاگ‌ها به میزان کم و خیلی کم توانسته‌اند معیارهای اخلاقی روزنامه‌نگاری (شامل صداقت، درستی و انصاف در روند گزارش اخبار) را رعایت کنند. ۳۸ درصد از روزنامه‌نگاران نیز نظری مخالف این گروه دارند و بیش از ۷ درصد نیز نظری در این باره نداشته‌اند.
 - بیشتر از ۵۵ درصد از پاسخگویان می‌گویند که زبان ساده وبلاگ‌نویسان تا حد کم و خیلی کم بر شیوه نگارش روزنامه‌نگاران مطبوعاتی تأثیر گذاشته است. ۴۲ درصد نیز نظری برخلاف این دارند. اما به طور کلی اکثریت پاسخگویان اعتقاد دارند که زبان ساده وبلاگ‌نویسان تأثیر چندانی بر شیوه نگارش روزنامه‌نگاران مطبوعاتی نگذاشته است.

- بیش از ۸۰ درصد پاسخگویان معتقدند که وبلاگ‌ها تا حد کم و خیلی کم منبعی معتبر برای روزنامه‌نگاران در پیگیری رویدادها و اخبار هستند. در حالی که حدود ۱۶ درصد نیز گزینه زیاد و خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند. این نشان می‌دهد که اکثریت پاسخگویان اعتقاد دارند که وبلاگ‌ها منبعی معتبر برای روزنامه‌نگاران در پیگیری رویدادها و اخبار نیستند

نتیجه‌گیری

وبلاگ‌ها در اکو سیستم روزنامه‌نگاری یک واقعیت انکارناپذیر هستند. بهتر است به جای آنکه به وبلاگ‌نویسی و روزنامه‌نگاری مطبوعاتی به عنوان دو رقیب نگاه کنیم، در این مهم به تفاهم برسیم که در حال وارد شدن به عصری هستیم که در آن این دو یکدیگر را کامل می‌کنند، مانع از اشتباه و انحراف هم می‌شوند.

مجموعه قواعد و اصول روزنامه‌نگاری - شامل دقت، اعتبار، قابل اطمینان بودن و صداقت داشتن با مخاطب- مجموعه دستورات و نکاتی است که هر وبلاگ‌نویسی باید آنها را سرلوحه کار خود قرار دهد. تلاش بیشتری لازم است تا این همکاری و مشارکت بین آنها عمیق تر شود و شکل بهتری به خود گیرد.

روزنامه‌نگاران باید مخاطبان خود را با روند و نحوه تولید اخبار آشنا کنند. این نوع رویکرد به شکل مؤثری آغاز نوع جدیدی از ارتباط میان روزنامه‌نگاران و شهروندان است. این رویکردی است که در آن، مخاطبان فرصت می‌یابند درباره اصولی قضاوت کنند که روزنامه‌نگاران بر پایه آنها فعالیت می‌کنند. بسیاری از روزنامه‌نگارانی که وبلاگ دارند، در واقع همین کار را انجام می‌دهند، آنها مواد خام گزارش‌های در حال تکمیل خود را در معرض دید مخاطبان قرار می‌دهند، نظرهای آنان را جویا می‌شوند، متن کامل مصاحبه‌های خود را به همراه متن چاپ شده گزارش در وبلاگ خود ثبت می‌کنند و مطالب تکمیلی را بر اساس راهنمایی‌ها، نظرها و پیشنهادهای دیگران ارائه می‌دهند. وقتی به خوانندگانی که وبلاگ دارند- با اجازه دادن به آنها برای اینکه واکنش و نظر ارزشمند خود را درباره لید گزارش‌ها ارائه کنند- امکان حضور در روند ویرایش و پردازش مطالب داده می‌شود، درک آنها از این حرفه و علاقه آنان افزایش می‌یابد و ترغیب می‌شوند که تجربیات مثبت خود را در اختیار همگان قرار دهند. به نظر می‌رسد با نقش روزافزونی که وبلاگ‌ها در عرصه اطلاع‌رسانی ایفاء می‌کنند رسانه‌های خبری و مطبوعات باید در ساختار، وظایف، نحوه انتشار و اولویت‌های خبری خود تجدیدنظر کنند. نگاهی واقع‌بینانه به وبلاگ‌ها و همچنین بررسی نقاط ضعف و قوت آنها می‌تواند رسانه‌های خبری و خصوصاً مطبوعات را در ایجاد تغییرات لازم برای گذر از چالش‌های موجود یاری رساند. از سوی دیگر، باید پذیرفت که با توجه به حجم بالای اطلاعات در

دسترس و همچنین تخصصی شدن روزافزون وبلاگ‌ها، دروازه‌بانی دیگر در انحصار سازمان‌های خبری و مطبوعاتی نیست و عملاً حیطة دروازه‌بانی به شدت تنوع و گسترش یافته است.

در چنین شرایطی که قدرت رسانه‌های خبری و مطبوعاتی به دلیل از دست دادن انحصار دروازه‌بانی سست شده است، این رسانه‌ها برای از دست ندادن منابع مالی و بقاء بیش از هر چیز نیاز به یک عامل برتری‌بخش و انحصاری دارند. این عامل و مزیت هرچه باشد نه تنها از طریق نادیده گرفتن یا چالش با روزنامه‌نگاری آنلاین و روزنامه‌نگاری فردی به دست نمی‌آید، بلکه با اطمینان می‌توان گفت در تعامل با آنها به دست خواهد آمد.

از مجموع این بحث‌ها می‌توان نتیجه گرفت که امروز در کنار شیوه عملکرد رسانه‌های خبری بزرگ، روزنامه‌نگاران شاهد ارائه تفسیر و تحلیل از سوی مردمی هستند که به لطف رسانه‌های مبتنی بر وب ۲، از نظرهای یکدیگر آگاه می‌شوند و می‌توانند در تولید محتوا شرکت داشته باشند و بر تفسیرها تأثیر بگذارند. از این رو می‌توان گفت روزنامه‌نگاران باید به وبلاگ توجه نشان دهند چرا که وبلاگ‌ها اگر چه جانشین رسانه‌های خبری سنتی نخواهند شد، اما بی‌تردید آنها را تکمیل خواهند کرد.

به هر حال، نه تنها یک پدیده مثبت و آغازگر روزنامه‌نگاری فردی در سطحی گسترده با ویژگی‌ها، زبان، مشخصات، سبک و خدماتی خاص است که باعث خواهد شد تا ما در تعاریف خود از روزنامه، روزنامه‌نگار و سازمان خبری تجدیدنظر کنیم، بلکه جزیی از جنبه‌های مهم جامعه اطلاعاتی و یکی از مسائل مهم ارتباطی آینده خواهد بود.

منابع

- شکرخواه، یونس (۱۳۸۴). روزنامه‌نگاری سایبر: جامعه‌اطلاعاتی و آزادی بیان. تهران: ثانیه.
- Andrews, Paul (۲۰۰۳). "Is Blogging Journalism?". The Nieman Foundation for Journalism at Harvard University, ۵۷ (۳): ۶۳-۶۴. from: <http://www.nieman.harvard.edu/reports/۰۳-۲NRfall/۶۳-۶۴V۵۷N۳.pdf>
- Baltatzis, Patrick (۲۰۰۶). "Is Blogging Innovating Journalism?". Innovation Journalism, from: <http://www.innovationjournalism.org/archive/INJO-۳-۴/baltatzis.pdf>
- Beckett, Charlie & Mansell, Robin (۲۰۰۸). "Crossing Boundaries: New Media and Networked Journalism". Communication, Culture & Critique, ۱ (۱): ۹۲-۱۰۴.
- Blood, Rebecca (۲۰۰۳). "Weblogs and Journalism: Do they Connect?". Nieman Reports, ۵۷ (۳): ۶۱-۶۳. from: <http://www.nieman.harvard.edu/reports/۰۳-۲NRfall/V۵۷N۳.pdf>
- Domingo, David & Heinson, Ari (۲۰۰۸). "Weblogs and Journalism: A Typology to Explore the Blurring Boundaries". Nordicom Review, ۲۹ (۱): ۳-۱۵.
- Gill, Kathy (۲۰۰۴). "How can we measure the influence of the blogosphere?". Paper presented at the WWW۲۰۰۴ Workshop on the Weblogging Ecosystem: Aggregation, Analysis and Dynamics. New York, May ۱۸th ۲۰۰۴. from: http://faculty.washington.edu/kegill/pub/www۲۰۰۴_blogosphere_gill.pdf
- Harper, Christopher (۲۰۰۵). "Blogging and Journalistic Practice". Temple University, from: <http://web.mit.edu/comm-forum/mit۴/papers/harper.pdf>
- Lasica, J.D. (۲۰۰۳). "Blogs and Journalism Need Each Other". Nieman Reports, ۵۷ (۳): ۷۰-۷۴. from: <http://www.nieman.harvard.edu/reports/۰۳-۲NRfall/V۵۷N۳.pdf>
- Lowrey, Wilson (۲۰۰۶). "Mapping the journalism-blogging relationship". Journalism, ۷ (۴): ۴۷۷-۵۰۰. from: <http://jou.sagepub.com/cgi/reprint/۷/۴/۴۷۷.pdf>
- Mackinnon, Rebecca (۲۰۰۵). "Blogging, Journalism & Credibility: Battleground and Common Ground". A Conference January ۲۱-۲۲, ۲۰۰۵ at Harvard University, from: http://cyber.law.harvard.edu/sites/cyber.law.harvard.edu/files/webcredfinalpdf_۰۱.pdf

- Mackinnon, Rebecca (۲۰۰۷). "Blogging, Journalism & Credibility: The Future of Global Participatory Media", from:
http://rconversation.blogs.com/MackKinnon_blogging_and_journalism_۲۰۰۷.pdf
- McCoy Roth, Marci (۲۰۰۴). "How journalists see the Blogosphere". Annenberg School for Communication University of Pennsylvania, from:
<http://java.cs.vt.edu/public/projects/digitalgov/papers/blogs.pdf>
- Quinn, Stephen (۲۰۰۵). Convergent Journalism an Introduction: Writing and Producing Across Media. London: Focal Press.
- Rosen, Jay (۲۰۰۵). "Bloggers vs. Journalists is Over". Press Think, from:
http://journalism.nyu.edu/pubzone/weblogs/pressthink/۲۰۰۵/۰۱/۲۱/berk_essay.html
- Willis, Chris & Bowman, Shayne (۲۰۰۳). "We Media: How audiences are shaping the future of news and information". The Media Center at the American Press Institute, from:
http://www.hypergene.net/wemedia/download/we_media.pdf.